

**Ozmon , Howard A**

هوراد آ اوزمن در ۱۹۲۹ م در پورتسموث (Portsmouth) ویرجینیا (Virginia) متولد شد. هوارد آگوستین در مدارس سنت پل (St. Paul's) و سنت جوزف (St. Joseph's) پورتسموث تحصیل کرد. در ۱۹۵۱ م از طرف دانش‌سرای عالی سنت برنارد (St. Bernard College) (آلاباما) به وی درجه فوق دیپلم اهدا شد و در ۱۹۵۴ م موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته فلسفه از دانشگاه ویرجینیا شد. هوارد اوزمن کارشناسی ارشد خود را در ۱۹۵۷ م در رشته آموزش و پرورش تطبیقی و درجه دکترای خویش را در رشته فلسفه آموزش و پرورش از دانشکده تربیت معلم دانشگاه کلمبیا (Teachers College, Columbia University) در ۱۹۶۲ م اخذ کرد (ویرجینیا پایلوت (The Virginian Pilot, 2014)).

هوراد اوزمن در دوره‌های ابتدایی و متوسطه مدارس دولتی نیویورک (New York) و نیوجرسی (New Jersey)، دانش‌سراهای عالی و دانشگاه‌های چندی، تدریس کرد. از جمله دانشگاه‌هایی که او در آنها به تدریس و تربیت دانشجویان پرداخت، می‌توان به دانشگاه ویرجینیا (University of Virginia) و دانشگاه کامن‌ولث ویرجینیا (Virginia Commonwealth University) (دانشگاه مشترک‌المنافع ایالت ویرجینیا) اشاره کرد. اوزمن که کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه تعلیم و تربیت به رشته تحریر درآورده بود، توانست لقب استاد ممتاز را دریافت کند. او همچنین رئیس بخش آموزش و پرورش دانشگاه ایالتی شیکاگو (Chicago State University) و عضو مؤسسان دانشگاه کامن‌ولث ویرجینیا بود (فرد هانتز (Fred Hunter, 2014)).

اوزمن نویسنده پرکاری بود، و کتاب‌ها و مقالات بسیاری در

زمینه فلسفه آموزش و پرورش نوشت. او همچنین چندین رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه، و کتاب برای کودکان از خویش به یادگار گذاشته است. از جمله آثار هوارد اوزمن در زمینه فلسفه آموزش و پرورش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: توسعه فلسفی اندیشه تربیتی (The philosophical development of educational thought) (1963)؛ ایده‌های چالش برانگیز در تربیت (Challenging Ideas in Utopias and Education) (1967)؛ آرمان‌شهرها و تربیت (Education) (1969)؛ منتقدان معاصر تربیت (Contemporary Critics of Education) (1970)؛ گفت‌وگو در فلسفه آموزش و پرورش (Dialogue in the Philosophy of Education) (1972).

پرچاپ‌ترین اثر وی در زمینه فلسفه آموزش و پرورش، کتاب مبانی فلسفی تعلیم و تربیت (Philosophical foundations of education) (1976) است. این کتاب بین سال‌های ۱۹۷۶ - ۲۰۱۲ م چهار بار تجدید چاپ شده است. از نوشته‌های اوزمن برای کودکان می‌توان به دو کتاب دوازده فیلسوف بزرگ (دنیای شگفت‌انگیز کتاب‌های کودکان) (Twelve Great Philosophers (The Wonderful World of Children's Books)) (1968) و هدیه تولد جنیفر (Jennifer's birthday present) (1974) اشاره کرد. (فرد هانتز، ۲۰۱۴).

به باور اوزمن هرچند دشواری‌هایی در وضعیت کنونی فلسفه آموزش و پرورش وجود دارد، اما این مطلب هنوز درست است که رویکرد فلسفی، جست‌وجو و پژوهشی مداوم است. به باور وی ترغیب مریبان برای به‌کارگیری شیوه پرسش‌گرانه و نقادانه فلسفی در برخورد با زمینه آموزش و پرورش اثربخش است. تأکید اوزمن بر این نکته است که فلسفه می‌تواند بستر مناسبی برای مریبان فراهم آورد، بستری که در آن مریبان می‌توانند درک بهتری از جریان‌های فکری، طبیعت، اندیشه‌ها، و زبان تربیتی داشته باشند. فلسفه برای مریبان تنها ابزاری تخصصی نیست، بلکه

شیوه‌ای برای بهبود کیفیت زندگانی است؛ زیرا فلسفه به مربیان کمک می‌کند تا چشم‌انداز وسیع‌تر و عمیق‌تری از وجود انسان و جهان پیرامون خویش داشته باشند (اوزمن و کراور، ۱۳۸۷).

حوزه دیگری که اوزمن بدان علاقمند است، مباحث مربوط به تدریس و معلمی است. در این ارتباط وی بر این باور است که: «بسیاری از آموزگاران عقیده دارند که دانش‌آموزان باید در قبال موضوعات گوناگون، دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند، آموزگاران امیدوارند که بتوانند با تشویق دانش‌آموزان خود به تفکر، شیوه اندیشیدن را به آنها بیاموزند، به نحوی که هر کدام از آنها نظرات و ایده‌های ویژه خویش را داشته باشند، نه اینکه افکار خاصی به آنها تلقین و یا دیکته شود (Ozman, 1962:222).

برای این کار لازم است که، آموزگاران و مربیان، صرف‌نظر از هر نظریه‌ای که دارند، بر این عقیده باشند که بهترین شیوه برای دستیابی به حل مشکلات، استفاده از تفکر دقیق و انتقادی است. فلسفه‌ای تربیتی زمانی اهمیت و ارزش دارد که مربیان تربیتی پی ببرند که باید درباره هر کاری که انجام می‌دهند، به دقت فکر کنند. از نظر اوزمن، فلسفه تأمین‌کننده همه پاسخ‌ها نیست، بلکه راه را برای پژوهش و کاوش جدی در اندیشه‌ها و آراء و باورها نشان می‌دهد (اوزمن و کراور، ۱۳۸۷).

اوزمن با هرگونه سانسوری مخالف است. به باور او سانسور می‌تواند در کتاب‌های درسی اعمال شود؛ برای مثال، نادیده گرفتن اقلیت‌ها یا گروه‌های آسیب‌پذیر و غیره؛ برای نمونه، او به حذف نقش سرخ‌پوستان در شکل‌گیری فرهنگ آمریکا در کتاب‌های درسی تاریخ اشاره می‌کند و یا تغییر نقشه‌های جغرافیایی در ایالت‌های جنوبی که پیشتر جزو سرزمین‌های لاتین تبار بوده‌اند. همچنین اوزمن بر این باور است که، حذف کتاب‌های کلاسیک ادبی، تاریخی و یا سیاسی از کتابخانه‌های آموزشگاه‌ها به بهانه فاسد کردن اخلاق

نوجوانان و جوانان و معرفی فهرستی که از پیش از سوی مسئولان ذی‌نفع و یا دست‌اندرکاران تربیتی تعیین شده است خود نوعی سانسور تلقی می‌شود. سانسور نه تنها مانع رشد فکری، برخورد ایده‌ها و تضارب آراء در دانش‌آموزان است، بلکه موجب می‌شود، یادگیری فعال، جای خود را به تلقین دهد. هدف سانسور از نظر اوزمن، آموزش و تربیت نیست، بلکه شست‌وشوی مغزی است (Ozman, 1962:222-223).

می‌توان یکی از ویژگی‌های جالب توجه اوزمن را استعداد وی در بهره‌گیری از طنز در انتقال مفاهیم تربیتی به آموزگاران و مربیان دانست. او مطالعات وسیعی در زمینه تاریخ فلسفه تربیتی انجام داده است. اوزمن در مقاله‌ای طنزگونه‌ای، به نام «ما متأسفیم، اما ...» (We Are Sorry, But...) به درخواست همکاری آموزشی برخی از مشاهیر تعلیم و تربیت همچون ژان ژاک روسو (Jean Jacques Rousseau)، ژان آموس کومنیوس (John Amos Comenius)، فردریک فروبل (Friedrich Froebel)، جان دیویی (John Dewey)، افلاطون (Plat)، هوراس مان (Horace Mann) و رابرت اوون (Horace Mann) در آموزشگاه‌ها، پاسخ منفی می‌دهد. او در پاسخ به هریک از آنها به‌طور خلاصه، مهم‌ترین ایده‌های تربیتی ایشان را به صورتی طنزگونه مورد نقد قرار می‌دهد؛ برای نمونه، در جواب درخواست فروبل می‌گوید: «ایده شما فقط با آموزگاران زن آن هم برای پایه‌های کمتر از چهارم امکان‌پذیر است». در پاسخ به کمینیوس می‌گوید: «ایده شما نیاز به تجهیزات سمعی بصری دارد که در شهر کوچکی نظیر شهر ما امکان‌پذیر نیست». در جواب دیویی به این نکته اشاره می‌کند که او به برخی زمینه‌ها کمتر توجه کرده و برخی را خیلی توسعه داده است. او به فلسفه اشاره می‌کند و می‌گوید که درس فلسفه در ابتدایی و متوسطه اول نیست و در رابطه با آزادی مورد درخواست روسو معتقد است که با نظم موجود همخوانی ندارد (Ozman, 1965).

## اوزمن، هوارد آ.

نفرت‌اند. آنها باید بیاموزند که نسبت به جهل و نادانی نفرت بورزند، نه به انسان نادان، بخار مسموم‌کننده نادانی نباید جلوی دیدگان آنها را بگیرد. دانش‌آموزان باید از بهتان، ریاکاری، حسادت و خودخواهی نفرت داشته باشند.

□ **جنگیدن را به ایشان بیاموزید (Teach them to fight).** کودکان باید بیاموزند برای آنچه به آن باور دارند، بجنگند. یکی از بزرگ‌ترین کمبودهای زمانه ما، شجاعت اخلاقی است. جوانان اغلب می‌ترسند که برخیزند و مبارزه کنند. ما نمی‌توانیم، شجاعت را همچون ریاضیات آموزش دهیم، اما به‌واسطه قاعده اخلاقی و الگو، می‌توانیم الهام‌بخش ایشان برای پیمودن راه درست و نه فقط راه آسان، باشیم.

□ **پاسخگویی را به ایشان بیاموزید (Teach them to talk back).** یکی از نخستین قواعدی که به‌طور معمول کودکان می‌آموزند، دیده شدن است و نه شنیده شدن. کودکی که شنیده نمی‌شود، یاد نمی‌گیرد. او باید بتواند پرسد و سؤالاتی را مطرح کند. آموزگار باید بتواند کودکان را با اهمیت پرسش‌های هوشمندانه و پاسخ‌های مربوط با آنها هدایت کند. آموزگار باید روش درست پاسخ دادن را به کودک بیاموزد.

□ **نمایانگری را به ایشان بیاموزید (Teach them to show off).** هر کودکی توجه را دوست دارد، و باید به او داده شود. هنگامی که کودکی با عرضه دانش خویش با دیگران ارتباط برقرار می‌کند، این خودنمایی، دانش و استعدادها برایش شادی‌بخش خواهد بود. این ابراز، خود به کودک می‌آموزد که چگونه به دیگران کمک کند، دوستی‌ها را به‌وجود آورد و به سرمایه اجتماعی بدل شود. آموزگاران گرامی، اگر فکر می‌کنید، دستورالعمل‌های آموزشی که در اینجا مطرح شد با آنچه که در کتاب‌های درسی‌تان آموخته‌اید، متناسب و همسو نیست، چندین بار فکر کنید، شاید کتاب‌های درسی نادرست باشند (Ozman, 1961).

به باور اوزمن ارتباط بین فلسفه و عمل، و نظریه و عمل در

اوزمن در مقاله‌ای با نام «اندکی شیطنت: نکاتی برای آموزگاران تازه‌کار (Slightly Satanical: Tips for Beginning Teachers)» شش مهارت را به نوآموزگاران پیشنهاد می‌کند. در این مقاله نیز اوزمن از لحنی طنزگونه بهره گرفته است. از نظر وی هر آموزگاری برای شروع آموزش نیازمند به دانستن نکاتی است. او اشاره می‌کند هرچند این نکات گاه به‌نظر کوچک می‌آیند، اما درهریک حقیقتی ژرف نهفته است. حقیقتی که شما هرگز آنها را در کتاب‌های درسی وزین و جدی نخواهید یافت. توجه به همین نکات می‌تواند تفاوت بین شکست و موفقیت را برای آموزگار، نه‌تنها در نخستین سال تدریس‌اش، بلکه در تمام سال‌های آموزگاری رقم بزند. این مهارت‌ها عبارت‌اند از:

□ **در تنبیه کودکان خویش تردید نورزید (Don't hesitate to beat your children).** شاگردان خویش را باتوجه به منابع اطلاعاتی موجود در جامعه خود تنبیه کنید. به‌منزله آموزگار بسیار پیگیر باشید و همواره بیاموزید تا از دانش‌آموزان عقب نمانید. نگذارید که آنها کتاب‌هایی را بخوانند که شما نخوانده‌اید. برای اینکه به آنها برسید، پایه‌های جامعه پیش بروید و البته، اغلب اوقات در کتابخانه باشید.

□ **گدایی را به ایشان بیاموزید (Teach them to beg).** در اروپای قرن هجدهم میلادی، گاهی مربیان به کودکان می‌آموختند که برای تحصیل غذا و پول در یوزگی کنند. اما الگویی که من به شما پیشنهاد می‌کنم در یوزگی برای پول و غذا نیست، بلکه استدعا برای اطلاعات است. اگر به‌منزله آموزگار، بتوانیم در دانش‌آموزان مان تمایل به کسب دانش بیشتر و بیشتر را ایجاد کنیم، آنگاه است که به ایشان خدمت کرده‌ایم.

□ **حس نفرت را به ایشان بیاموزید (Teach them to hate).** ما می‌دانیم که دانش‌آموزان ما باید نسبت به گناه نفرت داشته باشند، اما چیزهای دیگری هم هست که سزاوار

تربیت مورد غفلت قرار گرفته است. به باور وی ممکن است اکنون در بلا تکلیفی قرار داشته باشیم؛ زیرا به نظر می‌رسد، بیش از آنکه با تحلیل نظریه‌های تربیتی و ارتباط آن با عمل سروکار داشته باشیم، گرفتار جنبه‌های «عملی» تعلیم و تربیت هستیم. او می‌نویسد: «آنچه بدان نیازمندیم، صرفاً نظریه‌پردازی بهتر در زمینهٔ تعلیم و تربیت و شیوه‌های مناسب‌تر نیست، بلکه تلاش هماهنگ برای پیوند زدن این دو (نظریه و عمل) است. تفکر دربارهٔ تعلیم و تربیت بدون توجه به قلمرو «عملی» بدان معناست که فلاسفهٔ تعلیم و تربیت همچون عنکبوت به تنیدن افکاری مشغول باشند که از طریق تمرین‌های عملی اندک فرا گرفته‌اند. به عبارت دیگر، فکر کردن به شیوه‌های تربیتی بدون اندیشهٔ جدی به اعمالی منجر می‌شود که از محتوا یا مفهوم اندکی برخوردار است.» (اوزمن و کراور، ۱۳۸۷: ۱۷).

اوزمن باور راسخی به کاربرد روش و پژوهش فلسفی از سوی مربیان و دست‌اندرکاران تربیتی دارد، او می‌نویسد: «نویسندگان، ناشران و آموزگاران که به نحوی با کتاب‌های درسی، غیر درسی و خواندنی‌ها برای کودکان سروکار دارند، باید از روش فلسفی در کار خویش کمک بگیرند و هماهنگ با ارزش‌هایی محتوا را تنظیم کنند که فلاسفه دبستان‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند. همه ما دست‌اندرکاران تربیتی، برای بهبود ارزش‌هایی کمک کنیم که احساس می‌کنیم باید به بهترین نحوه انجام شوند. و این پژوهش فلسفی است، که می‌تواند در این راستا به ما کمک کند» (Ozman, 1966:188).

به باور اوزمن مطالعه و کاربست فلسفه می‌تواند مبنای ارزشمندی، برای اندیشیدن دقیق، جست‌وجوگری ژرف، کنجکاوی مداوم و تحلیل مفاهیم تربیتی را در جهان تربیت فراهم آورد. این فلسفه است که می‌تواند روحیهٔ پرسشگری، بی‌قراری کنجکاوانه و نقادی هنرمندانه را در مربیان ایجاد کند و بسط دهد. «این بی‌قراری کنجکاوانه، فلسفه را کاری

جاودانه برای انسان ساخته است، کاری که هرگز در حقیقت کامل نمی‌شود، بلکه همواره در حال شدن است. در تحلیل نهایی، جست‌وجو برای خردمندی ممکن است فقط جست‌وجویی ژرف برای یافتن راه‌های بهتر تفکر دربارهٔ گرفتاری‌های انسان باشد. این جست‌وجو کمتر از دیگر کارهای انسان، مستلزم تعلیم و تربیت نیست. فلسفه را وقتی در این حالت بپذیریم، جست‌وجویی جدا و منفرد نیست، بلکه بخشی از زندگی و تعلیم و تربیت انسان است» (اوزمن و کراور، ۱۳۸۷: ۵۷۴).

### کتاب‌شناسی:

اوزمن، هوارد آ و کراور، سموئل ام (۱۳۸۷) مبانی فلسفی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد و همکاران. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

Fred Hunter , Howard A. Ozmon , Fred Hunter Memorial Services, Social Site by Funeral Innovations. <http://www.fredhunters.com/obituaries>, 2014

Ozmon, H. A. (1961) "Slightly Satirical: Tips for Beginning Teachers", *The Phi Delta Kappan*, 42(8).

Ozmon, H. A. (1962) Better Dead than Well-Read?. *The Phi Delta Kappan*, 43(5), 222-223.

Ozmon, H. (1965) "We Are Sorry, But ...", *The Phi Delta Kappan*, 47(3).

Ozmon, H. (1966) "If Philosophers Served on Textbook Committees". *The Elementary School Journal*. 66(4), 182-188. <https://doi.org/10.1086/460286>.

The *Virginian Pilot*, Howard A. Ozmon, Jr, <http://www.legacy.com/obituaries/pilotonline/obituary>, 2014.

نویسنده: یحیی قانلی